



خاطره سازی

پدرهای تلویزیونی



رامین زرعی
نگارنده و کارگردان فیلم

به نحو بهتری نشان داده شود.

اگرچه در اغلب سریال‌های او خانواده به عنوان بخشی از داستان وجود دارد، اما روابط بین اعضای خانواده و نقش‌های درون هر خانواده از اهمیت کمتری برخوردار هستند. نقش پدر در برخی از سریال‌های دیگر مدیری نسبت به شب‌های برره هم کم‌رنگ‌تر بود و سهم مهمی در پیش برد داستان و خلق موقعیت‌های طنز نداشت. هرچند در «پاورچین»، «نقطه چین» و «باغ مظفر» باز از پدر برای خلق موقعیت در داستان استفاده شده است اما به روابط بین پدر و فرزندان اهمیت زیادی داده نشده است.

اینبار به مناسبت روز پدر، تصمیم گرفتیم سراغ پدرها در سریال‌های طنز تلویزیونی و اکاوی نقش‌های آن‌ها برویم. برای بررسی دقیق‌تر سعی کردیم نقش پدر را در آثار کارگردان‌های مختلف بررسی کنیم تا ببینیم هر یک، پدر را چگونه در سریال‌های طنزشان به تصویر کشیده‌اند.

به خوبی نقش پدری زحمتکش، پرتلاش و البته ساده را به نمایش گذاشت که به خاطر بهبود شرایط خانواده، تمام تلاش خود را می‌کند و در این راه با قرار گرفتن در موقعیت‌های طنز توانست خنده را بر لب مخاطبان بنشانند و همیشه این شخصیت را به خاطر داشته باشند.

در «ترش‌وشیرین» پدری متفاوت نسبت به کارهای قبلی عطاران را شاهد بودیم. پدر این داستان با بازی «حمید لولایی» وضع مالی خوبی داشت و عاشق زنی از طبقه پایین‌تر از خودش شده بود. همین تضاد طبقاتی باعث اتفاقات و چالش‌های خنده‌داری در تقابل با بچه‌های خودش و بعدتر با فرزندان و داماد همسر جدیدش شده بود. پدر او نیز با بازی «احمد پورمخبر» توانست به طنز بیشتر این کار کمک زیادی کند و نقش پدری که حامی تصمیمات پسرش بود را به خوبی ایفا کرد. او توانست با نشان دادن موقعیت‌ها و شوخی‌های پدر و پسر این سریال را جذاب‌تر کند.

در «بزنگاه» نیز باز این حمید لولایی بود که نقش پدر دودختر جوان و دم‌بخت را برعهده داشت. از جمله دغدغه‌های او به عنوان یک پدر، مسائل مربوط به ازدواج دخترهایش بود که همین موضوع باعث شکل‌گیری موقعیت‌هایی می‌شد که بیننده را به خنده وا می‌داشت. علاوه بر حمید لولایی، خود رضا عطاران هم در این سریال نقش پدر معتادی را بازی می‌کرد که همسرش از او جدا شده بود و با دختر خردسالش زندگی می‌کرد. هر چند نقش عطاران برای یک فیلم کمدی بسیار سنگین و تلخ بود اما در مجموع توانسته بود زبان طنز کار را نیز به خوبی نشان دهد.



• رضاعطاران و پدران ساده

در فیلم‌های عطاران معمولاً پدرها شخصیتی به شدت ساده و از قشر ضعیف جامعه هستند ولی این نقطه قوت با نشان دادن پدر به عنوان یک فرد بدبخت و بیچاره که همیشه توسری خور است و زندگی خودش را نمی‌تواند جمع کند، به نقطه منفی کارهای او تبدیل شده است. مهم‌ترین ابزار کمدی در فیلم‌های عطاران هم همین قرار دادن پدرها در موقعیت‌های مختلف بوده است، حتی اگر این موقعیت منجر به تحقیر یک پدر می‌شد.

در سریال خاطره‌انگیز «خانه به دوش» پدری ساده و صمیمی به نام «آقا ماشاءالله» با بازی «حمید لولایی» را شاهد هستیم که دردهای زیادی برای بهبود اوضاع اقتصادی خانواده خود متحمل می‌شود. هرچند پدر در این خانواده نسبت به زن و فرزندان خود دلسوز است و هرکاری برای آن‌ها انجام می‌دهد ولی قرار گرفتن او در موقعیت‌هایی که مورد تمسخر پسرش و یا باجناقش قرار می‌گیرد، به شخصیت پدر لطمه وارد کرده است.

در سریال «متهم گریخت» نقش پدر برعهده مرحوم «سیروس گرجستانی» بود که داستان آن باز هم در فضایی ساده و خانواده‌ای گرم و صمیمی در جریان بود. در این سریال خانواده‌ای را شاهد بودیم که بعد از مهاجرت به تهران دچار چالش‌های زیادی می‌شد و محوری‌ترین عضو خانواده هم «هاشم» بود که تمامی اتفاقات پیرامون او رخ می‌داد. هاشم



• مهران مدیری و پدران برره‌ای

مهران مدیری دیگر نویسنده و کارگردانی است که سریال‌هایش به شدت بین مردم طرفدار دارد. مهم‌ترین و شاید بتوان گفت ماندگارترین سریال او «شب‌های برره» بود. در این سریال «سردارخان» و «سالارخان» هر دو فرزندان داشتند که برای بهبود موقعیت آن‌ها بدون در نظر گرفتن وجدان و اخلاق، دست به هر کاری می‌زدند. علاوه بر این از داماد و عروس خود هم برای حفظ قدرت و کسب منافع بیشتر، به راحتی سوءاستفاده می‌کردند. علیرغم فضای طنز سریال، همین نحوه رفتار یک پدر با فرزندانش می‌توانست



۳



• سروش صحت و پدران کم‌رنگ

سروش صحت در مقام نویسنده و کارگردان در فیلم‌هایی مثل «شمعدونی»، «ساختمان پزشکان» و «پژمان» تا حدود زیادی پدرانی متفاوت و پرموقعیت در کمدی را به نمایش گذاشته است. در شمعدونی که فضای داستان کاملاً خانوادگی و مرتبط با مسائل خانواده بود، «محمد نادری» و «حسن معجونی» در کنار «محسن قاضی‌مرادی» نقش‌های پدر را در این سریال بازی می‌کردند. روابط پدر با همسر و فرزندان تا حدود زیادی و به خوبی در موقعیت‌های مختلف نشان داده می‌شد. متنوع بودن سن و جنسیت فرزندان و متفاوت بودن دغدغه‌های هر کدام از آن‌ها به شکل‌گیری این روابط کمک زیادی کرده بود.

در سریال ساختمان پزشکان، یک پدر نسبتاً بی‌خیال با بازی «هوشنگ حریرچیان» داشتیم که بدون توجه به اتفاقات اطرافش کار خودش را می‌کرد. همچنین همیشه ناصر پسر خلافکارش را نسبت به برادرش دکتر نیما افشار ترجیح می‌داد، ولی با این وجود احترامش همیشه حفظ می‌شد. در پژمان نیز باز هوشنگ حریرچیان به ایفای نقش پرداخته بود و نقش پدر پژمان جمشیدی را بازی می‌کرد که البته به جز چند شوخی مختصر و ثابت، نقش زیادی در داستان نداشت و حتی روابط بین او و پژمان هم زیاد نشان داده نشده بود. در این سریال یک پدر دیگر هم با بازی «بیژن بنفشه‌خواه» داشتیم که در زمان‌های نبودن همسرش سعی داشت مراقب پسرانش باشد. تا انتهای سریال این دغدغه و دلسوزی او جهت تربیت بهتر فرزندان ادامه دارد و سعی می‌کند با گرفتن معلم و یا گذاشتن وقت بیشتر این کار را انجام دهد و همین موضوع هم باعث به وجود آمدن موقعیت‌های طنز بیشتری در سریال می‌شد.

در سریال «لیسانسه‌ها» و «فوق‌لیسانسه‌ها» نیز شاهد پدرهایی